

قسمتهای را که در اشتباه هستند قانع شوند.

بودجه یکی از مجلهائی است که برای تنقیحات در اطراف تشکیلات مملکت موقع بسیار مؤثری است و بودجه خواهد آمد.

نظرهای مختلفی که يك قسمتش را آقای حائریزاده و يك قسمتش را آقای مدرس بیان فرمودند و شاید در دیگران هم این نظریه باشد.

بنده فعلاً آن را تمقیب نمیکنم برای این که بنا بر تقاضای رفقای اکثریت يك مجلسی بجزمله شده است و ما آمده ایم که بگوئیم بودجه وزارت جنگ در حدود نه میلیون و دوست هزار تومان تصویب شود.

ولی بنده نمیفهمم چه موجب شده است و در واقع چه کاسه زیر این نیم کاسه هست که باعجله در این موقعی که آقایان وزراء برای دادن توضیحات در جلسه خصوصی تشریف آورده اند آنوقت يك لایحه بیاورند و بگویند در این حدود بودجه وزارت جنگ را برای تا آخر سال تصویب کنید این چه مناسبت دارد؟

این است که بنده پیش نهاد کرده ام برای یکماه منظور شود.

باز هم عرض میکنم که موقع مذاکره بودجه بهترین موقعی است برای اصلاحات تشکیلات مملکتی

حالا میل دارید ابدان تنقیحات را گوش ندهید و اصفا فرمائید مختارید و الاعمالاً برای يك ماه تصویب شود تا رایرت کمیسیون مجلس آمده و در ضمن سایر اقلام بودجه این قلم هم تصویب شود.

اینجا يك نکته را هم با آقای سردار معظم خواستم عرض کنم که ایشان باید بدانند و کیل نیستند وزیر هستند و در موقعی که دفاع میفرمایند ملتفت باشند درست دفاع بفرمایند.

**نایب رئیس - آقای مشار اعظم**  
(اجازه)

**مشار اعظم - بنده هم پیش نهاد آقای عماد السلطنه موافقم**

**نایب رئیس - پیش نهاد آقای عماد - السلطنه که دولت هم قبول فرمودند ماده واحده خواهد بود.**

رای میگیریم باورقه ، آقایانی که موافقت ورقه سفید و الاورقه کبود خواهند داد

(اخذوا استخراج آراء بعمل آمد نتیجه این طور حاصل شد)

ورقه سفید (۷۷)

ورقه کبود (۲۴)

**نایب رئیس - عده حاضر (۹۱)**

با اکثریت ۷۷ رای تصویب شد.

اسامی موافقین :

آقایان - عماد السلطنه - سردار منتصر صولت السلطنه - رئیس التجار - وکیل الملك محمد ولی میرزا - حاج میرزا سید الله خان سهام السلطان - مقوم الملك - مدبر الملك صدرائی - تدین - شریعت زاده - آقامیرزا سلیم خان ایزدی - روحی - سیه دار اعظم غلامحسین میرزا - مصدق السلطنه - آقای شیخ محمد علی طهرانی - حاج سیدالمحققین ضیاء الاطباء - ضیاء الواعظین - سردار نصرت - آقا میرزا سید احمد بهبهانی - شیخ الاسلام - ملک التجار - صدق السلطنه ارباب کیخسرو - مشیرالدوله - آقا شیخ هادی شیخ رئیس - بن الملك - آقامیرزا یدالله خان - احتشام الحکماء - دیوانی یکی مشیر معظم - صدر العلماء مفتی - کی استوان معتمد السلطنه - رهنما - ناصر الاسلام - حاج عز الممالک - اعتبارالدوله - اخگر - سردار فاخر - محمد هاشم میرزا شیخ رئیس آقا شیخ محمد علی الموتی - آقا شیخ جلال الدین - آقا سید کاظم - آقا میرزا رضا افشار - علائی - سلیمان میرزا - سیف الله خان اسکندری - سردار مخم - شیروانی نجات - ضیاء الملك - سالار لشکر - آقا سید یعقوب - معاضد السلطنه - حاج میرزا عبدالوهاب - میرزا آقا خان - امیر احتشام امیر اشرف - مصدق الملك - وحیدالدوله یاسائی - عظیمی - مشار اعظم - آقامیرزا شهاب الدین - شیخ العراقین زاده - آقامیرزا سید حسن کاشانی - هایم - اقبال الممالک معظم السلطان - سهراب خان - هرمزی

اسامی مخالفین :

حاج آقا اسمعیل - ملک الشعراء - حائری زاده - زحیم

**نایب رئیس - چون جلسه خصوصی با حضور آقایان وزراء باید تشکیل شود اگر اجازه بفرمائید جلسه را ختم میکنیم جلسه بعد روز پنجشنبه سه ساعت و نیم قبل از ظهر .**

دستور بودجه مملکتی .

(مجلس نیم ساعت از شب گذشته ختم شد)

رئیس مجلس شورای ملی -

**مؤتمن الملك**

منشی - **علی اقبال الملك**

منشی - **دعظم الملك**

**جلسه نودم**

**صورت مشرح مجلس**

**یوم پنجشنبه دوازدهم قوس ۱۳۰۳ مطابق هفتم جمادی الاولی ۱۳۴۳**

مجلس یکساعت و بیست دقیقه قبل از ظهر بریاست آقای مؤتمن الملك تشکیل گردید .

(صورت مجلس سه شنبه دهم قوس را آقای اقبال الممالک قرائت نمودند)

رئیس - آقای اخگر (اجازه)

اخگر - آقای دست غیب را غائب بی اجازه نوشته اند در صورتیکه بواسطه مصیبتی که با ایشان وارد آمده بود معذور بودند استدعا میکنم در صورت مجلس اصلاح شود .

رئیس - چیزی ننوشته بودند باید یاد داشتی بدهند تا به کمیسیون ارسال شود .

آقای آقا میرزا شهاب (اجازه)

آقا میرزا شهاب - بنده قبل از دستور از آقای وزیر مالیه سؤالی داشتم اجازه میخواهم .

رئیس - آقا سردار متعمد (اجازه)

سردار متعمد - بنده بواسطه کسالت مزاج کتباً اجازه خواسته بوده بنده را غائب بی اجازه نوشته اند استدعا میکنم بفرمائید اصلاح شود .

رئیس - باید چیزی مرقوم فرمائید .

سردار متعمد عرض کرده ام .

رئیس - آقای حائری زاده (اجازه)

حائری زاده - بنده قبل از دستور عرض داشتم .

رئیس - فیروز این دو فقره دیگر ایرادی نیست ؟

(گفته شد خیر)

رئیس - صورت مجلس بعد از ظهر قرائت میشود .

(صورت مجلس عصر سه شنبه را آقای اقبال الممالک قرائت نمودند)

رئیس - آقای سردار عشایر (اجازه)

سردار عشایر - بنده را غائب بی اجازه نوشته اند در صورتیکه دو ساعت بغروب مانده خبر دادند که برای جلسه خصوصی حاضر بشویم بنده هم حاضر شدم تا فریب هم این جا بودم ولی جلسه تشکیل نشد بنابراین خواستم عرض کنم که بی اجازه نوشتن بنده مورد ندارد چون برای جلسه ملتی کسی بمن خبر نداد .

رئیس - صحیح است مورد ندارد .

آقای شیخ عبدالرحمن (اجازه)

آقا شیخ عبدالرحمن - بنده را هم غائب بی اجازه نوشته اند در صورتیکه بنده را برای جلسه ملتی خبر نکرده بودند .

رئیس بسیار خوب این هم صحیح است آقای داور پیشهاد کردند جلسه ختم شود . بعضی از نمایندگان صحیح است .

رئیس - آقای داور (اجازه)

داور - چون يك مائیل مهمی در پیش است که در خارج هم بگمده از آقایان

نمایندگان مدتی مشغول مذاکره بودند و میخواستند باز بیش از اینها مورد مذاکره واقع شده و در آن صحبت شود باین مناسبت بنده پیشهاد کردم جلسه ختم شود البته وقتی جلسه ختم شد آقایان تشریف بیاورند در خارج و می نشینیم صحبت میکنیم .

جمعی از نمایندگان صحیح است .

رئیس - آقای مشار اعظم (اجازه)

مشار اعظم - بنالیا در مجلس گفته میشود که نمایندگان کم کار میکنند و اوقاتی که باید مشغول امور مملکتی باشند بمذاکرات خارجی میگذرانند و جلسات مجلس خیلی عمرش کوتاه است و ساعتش کم است کارها هم اینطور معوق میمانند .

از یکطرف هم وقتی ملاحظه میکنیم باوجود این اظهارات يك نظریات متضادی پیدا میشود و يك روزی را میخواهند تعطیل کنند و يك جلسه را که ممکن است ارزش فوایدی بدست بیاید میخواهند او را عبث کنند بنده و همچنین غالب آقایان نمایندگان هنوز ملتفت نشده ایم که این موضوع اهمیت دار چیست ؟ يك موضوعی نمیشود فرض کرد برای مذاکراتی که بنظر چند نفر از آقایان نمایندگان آمده باشد اگر هم با اهمیت تلقی شده باشد و اگر يك مطالبی بین چند نفر در جریان است که میخواهند آن نتایجی بدست بیاورند مستلزم این نیست که مجلس تعطیل شود و کارهایی که ما خیلی بآن علاقه مند هستیم میل بودجه مملکت بتعویق بیفتد و آقایان اگر خیلی بآن مذاکرات علاقه مند هستند ممکن است در موقع تنفس یا بعد از ظهر یا عصر یا شب يك حرفهائی را که میدانیم اینقدر اهمیت ندارد به نشینند و صحبت کنند و الاغیر از این باشد بنده مخالفم یا ختم جلسه

رئیس - رای گرفته میشود آقایانی که باختم جلسه موافقت قیام فرمایند .

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد .

(مجلس تقریباً سه ربع قبل از ظهر ختم شد)

رئیس مجلس شورای ملی - **مؤتمن الملك**

منشی - **علی اقبال الممالک**

منشی - **معظم السلطان**

**جلسه نود و یکم**

**صورت مشروح مجلس یوم**

**یکشنبه پانزدهم قوس**

**یکهزار و سیصد و سه**

**مطابق دهم جماد الاولی**

**یکهزار و سیصد و چهل و سه**

مجلس دو ساعت و نیم قبل از ظهر بریاست آقای مؤتمن الملك تشکیل گردید

(صورت مجلس یوم پنجشنبه دوازدهم قوس را آقای آقا میرزا جوادخان قرائت نمودند)

**رئیس -** نسبت بصورت مجلس ایرادی هست یا نه؟  
(گفتند خیر)  
**رئیس -** آقای تدین: راجع بچه مطلب است؟  
**تدین -** بنده قبل از دستور عرضی دارم.  
**رئیس -** میباید برای آخر جلسه آقای حاضر زاده (اجازه)  
**حاضر زاده -** بنده هم قبل از دستور مرضی دارم  
**رئیس -** میباید برای آخر جلسه دستور را بپوشانید که بیسبب بودجه است اولاً خانواری هفتاد هزار تومان.  
در جلسه گذشته جمعی از آقایان پیشنهاد کرده بودند باورده رای گرفته شود آن پیشنهاد مفقود شده است آقایان تجدید بفرمایند قمارای میگیریم بنیم عشر اوقاف بود این هم باورده رای گرفته شود  
**رئیس -** آقای حاج میرزا عبدالوهاب (اجازه)  
**حاج میرزا عبدالوهاب -** پیشنهادی که تقدیم شده بود خط بنده بود تقاضا شده بود هر دو فقره باورده رای گرفته شود  
**رئیس -** یکی دیگر بنویسید (پیشنهاد مزبور تسلیم و بشرح ذیل قرائت شد)  
بنده پیشنهاد میکنم راجع بغانواروی ونیم هشتاد اوقاف باورده رای گرفته شود و کیل الملک اخگر ۲۰ ع کازرونی میدالوهاب الرضوی ۱۰ هاشم آشتیانی  
**رئیس -** سه نفر دیگر هم در همین موضوع يك پیشنهاد دیگری را امضاء کرده اند.  
**آقای مدرس -** آقای آقا مصطفی .  
**آقای میرزا امید احمد -** بدو رای گرفته میشود بغانواروی مبلغ هفتاد هزار تومان . آقایانی که تصویب میکنند ورقه سفید و الاورده کبود خواهند داد .  
(اخذوا استخراج آراء بعمل آمده نتیجه اینطور حاصل شد)  
ورقه سفید ۴  
ورقه کبود ۵۰  
**رئیس -** عده حضار ۱۰۳ بلا تکلیف ماند .  
اسامی موافقین - آقایان :  
شیخ العراقین زاده . عظیمی . شیروانی . نجات . داور . آقا سید یعقوب . ضیاء الواعظین . امیراعلم . آقا میرزا سلیم خان ایزدی . روحی . ممتد السلطنه . آقا میرزا رضاخان افشار . علانی . دولت آبادی . تقی زاده . مشیرالدوله . اعتبارالدوله . سلیمان میرزا . ناصرالاسلام . مبین الملک . مقوم الملک . سر کشیک زاده . امیر اشرف . تدین . شریعت زاده . عمادالسلطنه . هرمزی . کی استوان . دیوان بیگی . میرزا آقا خان . وحیدالدوله  
مصدق الملک . مشیر معظم . آقا شیخ محمد علی الموتی .  
اسامی مخالفین - آقایان :  
میرزا آقا خان . عماد الملک . هرمزی . کی استوان . وحیدالدوله . مشیر معظم . تدین . اعیان السلطنه . صدرالدوله . آقا

میرزا شهاب الدین . اعتبارالدوله . سلیمان میرزا . ناصرالاسلام . سر کشیک زاده . رهنما . مبین الملک . مقوم الملک . سردار فاخر مشیرالدوله . تقی زاده . آقا سید کاظم . آقا شیخ هادی شیخ الرئیس . علانی آقا میرزا رضاخان افشار .  
اسامی مخالفین - آقایان :  
سردار نصرت . داور . ضیاء الملک سردار مقفم . آقا سید محمد علی الموتی . امین . الشریعه . سلطان العلماء . آشتیانی . مدرس . ملک الشعراء . هابیم . صولت السلطنه . ملک التجار . سردار معتمد . سیددار اعظم معظم السلطان . آقا میرزا جوادخان . آقا سید کاظم . حاج آقا اسمعیل . حاج میرزا اسدالله خان . اقبال الملک . آقا شیخ جلال الدین . کازرونی . وکیل الملک . آقا سید حسن اجاق . صدق السلطنه . اخگر صدر العلماء مفتی . دیوان بیگی . سردار منتصر . یاسائی . سیف الله خان اسکندری آقا میرزا سید احمد بهبهانی . مصدق الملک ضیاءالاطباء . حائری زاده . شیخ الاسلام دست غیب . حاج میرزا علی رضا . سهام . السلطان . آقا میرزا بدالله خان . آقا میرزا سید مصطفی بهبهانی . امیر اشرف . زعیم آقا شیخ محمد علی الموتی . امیر حشمت محمد هاشم میرزا . شیخ الرئیس . قوام . الدوله . حاج میرزا عبدالوهاب . محمد ولی میرزا .  
**رئیس -** رای می گیریم به نیم عشر اوقاف مبلغ پنجاه و دو هزار تومان . آقایانی که تصویب میکنند ورقه سفید و الاورده کبود خواهند داد .  
(اخذوا استخراج آراء بعمل آمده نتیجه به ترتیب ذیل حاصل شد)  
ورقه سفید ۳۷  
ورقه کبود ۳۷  
**رئیس -** عده حضار ۱۰۳ بلا تکلیف ماند .  
اسامی موافقین - آقایان :  
شیخ العراقین زاده . عظیمی . شیروانی . نجات . داور . آقا سید یعقوب . ضیاء الواعظین . امیراعلم . آقا میرزا سلیم خان ایزدی . روحی . ممتد السلطنه . آقا میرزا رضاخان افشار . علانی . دولت آبادی . تقی زاده . مشیرالدوله . اعتبارالدوله . سلیمان میرزا . ناصرالاسلام . مبین الملک . مقوم الملک . سر کشیک زاده . امیر اشرف . تدین . شریعت زاده . عمادالسلطنه . هرمزی . کی استوان . دیوان بیگی . میرزا آقا خان . وحیدالدوله  
مصدق الملک . مشیر معظم . آقا شیخ محمد علی الموتی .  
اسامی مخالفین - آقایان :  
میرزا آقا خان . عماد الملک . هرمزی . کی استوان . وحیدالدوله . مشیر معظم . تدین . اعیان السلطنه . صدرالدوله . آقا

مفتی - حاج آقا اسمعیل . محمد هاشم میرزا شیخ الرئیس - آقا شیخ جلال الدین . آقا سید حسن اجاق . محمد ولی میرزا صدق السلطنه . اقبال الملک . اخگر . کازرونی . سهام السلطان . استشفته الحکماء . قوام الدوله سردار معتمد . غلامحسین میرزا . سیددار اعظم دست غیب .  
حاج میرزا علی رضا - حائری زاده - آقا میرزا احمد بهبهانی زعیم - شیخ الاسلام - ملک الشعراء - سردار نصرت - ملک التجار آقا میرزا سید مدرس آشتیانی - سالار اشگر - آقا سید محی الدین - ضیاءالاطباء - امین الشریعه - سلطان العلماء  
**رئیس -** ماده دوم لایحه بودجه راجع بجارح مطروح است -  
**آقای شیروانی (اجازه)**  
**شیروانی -** یکی از مسائل خصوصی اصولی بعقیده بنده این است که اول نمایندگان ملت وظیفه خودشان را تشخیص بدهند بعد از آنکه ما تشخیص دادیم که دارای چه وظیفه هستیم آنوقت سایر مسائل را میتوانیم نظارت کنیم ما اینجا قسم خوردیم و مخصوصاً یکی از قسمتهای بر جسته قسم ما حفظ قانون اساسی است .  
در جلسه گذشته با اینکه آقای داور تذکرات مفصلی راجع بقانون اساسی دادند قانون اساسی طرف اعتنا واقع نشد بنا براین بخود حق میدهم که يك مرتبه دیگر آن اصول بزرگی که مخصوصاً مربوط بیودجه و مالیات مملکت است در اینجا با آقایان نمایندگان تذکر بدهم بنده وظیفه خود میدانم که آن اصول را حفظ کنم .  
ممکن است آقایان اصول قانون را فراموش کرده باشند حالاً بنده میخوانم و البته آقایان هم هر طور که وظیفه خودشان است انجام خواهند داد .  
اصل هجدهم - تسویه امور مالیة جرح و تعدیل بودجه .  
تغییر در وضع مالیاتها ورد و قبول عوارض و فروعات همچنان ممیزیهای جدیدی که از طرف دولت اقدام خواهد شد . بتصویب مجلس خواهد بود .  
بنده عقیده ام اینست که قسمت های این اصل در این بودجه نقض شده است زیرا شاید خیلی از آقایان نمایندگان اطلاع داشته باشند که در بعضی ولایات اداره مالیة خودش ممیزی میکنند و خودش هم مالیات میگیرد بدون آنکه قانونی از مجلس گذشته باشد .  
بعضی جاها را اضافه کرده اند و بعضی جا را شاید بخشیده باشند و مالیاتهای خیلی بزرگ هم وضع شده از قبیل باج راه که بعقیده بنده يك مالیاتی است که در سال هفت هشت برابر مبلتی که اینجا نوشته شده

میگیرند و میخورند و اگر يك عده آمدند کلویشان را گرفتند شاید يك چیزش را پس بدهند ولی اگر بگلویشان فشار نیاید اصلان بدهند  
تمام این قسمتها در این اصل تذکر داده شده است .  
اصل بیستم میگوید:  
بودجه هریک از وزارتخانه ها باید در نیمه آخر هر سال از برای سال دیگر تمام شده یا نژده روز قبل از هید نوروز حاضر باشد .  
حالا سال گذشته را می گفتند مجلس نبود در صورتیکه میتوانستند اول سال بودجه ها را بیاورند ولی امسال که مجلس و دولت هست و سه ماه هم بیشتر باخرسال نمانده بودجه سال بعد کجا است؟  
یکی از وظائف دولت تهیه بودجه است و این اصل را مجلس و دولت باید حفظ کنند دولت چرا بودجه سال بعد را تا بحال حاضر نکرده است؟  
بعقیده بنده این اصل هم نقض شده است از اصل ۹۲ تا اصل ۱۰۳ راهم بر پرورز آقای داور اینجا قرائت کردند و البته آقایان هم شنیدند در اینجا باز تکلیف مجلس را معین میکنند و میگویند که تمام امور مالیة باید با نظریه و رأی مجلس انجام داده شود ولی در این بودجه هیچکدام از آن اصول رعایت نشده است .  
اینست که با آقایان اندک میدهم که ما هم قسم خورده ایم برای حفظ قانون و این قانون هم عبارتست از تمام این اصول و یکی از اصول مهمه آن هم اصل مالیة است و الان آن قانون دارد نقض میشود .  
حالا هر کدام از آقایان میل دارند بوظیفه خودشان عمل کنند در جلسه قبل در موقعی که آقای مخبر دفاع میکردند اظهار داشتند که حرفهای فلانی يك قسمتش مربوط بشخص من بود این را میخواستم عرض کنم که عرایض بنده در اینجا مربوط به هیچ شخصی نیست ایشان که بودجه نیستند و عرایض من هم مربوط بشخص ایشان نبود و اسمی هم از ایشان در ضمن عرایضم نبردم و ارادت بنده را هم نسبت با ایشان همه کس میداند . ایشان یک نفره مخبر هستند و باید از طرف کهیسیون دفاع کنند .  
در قسمت خرج بنده خیلی مسرودم که دولت یکی از پیشنهادهای بنده را که در اولین جلسه عرض کرده بودم بمجلس آورد و ما هم رای دادیم و مخصوصاً بنده خودم هم رای دادم و آن قسمت بودجه قشون بود .  
بنده در همان روز اول عرض کردم که چهار قسمت از این بودجه برای این مملکت لازم است و اگر سه اداره هم باشد ممکن

است بعد از رفع شود ولی جلوگیری از جریان آن چهار قسمت ممکن است امورات مملکتی را مختل نماید و آن چهار قسمت عبارت است : از قشون . امنیه . نظمی . معلمین دولت این چهار قسمت را پیشنهاد میکنند و متصوب می کنیم بعد بداند .  
برای سایر مؤسسات بودجه صحیح نوشته بمجلس بیاورند تا اماری بدهیم يك فقره آن که عملی شد بنده امیدوارم سه فقره دیگر را هم عملی بفرمایند و يك معنی وقت مجلس را صرف مخالفت نکنند زیرا اگر بودجه خوب بمجلس آورده بودند البته ما هم مخالفت نمی کردیم در اینجا آقای وزیر مالیة يك تمجید های از حسن جریان مالیة کردند و بنده قضاوت آن را بعهده خود آقایان میگذارم و چنانچه در آن جلسه هم عرض کردم بعهده کیفهای پر از شکایت آقایان میگذارم این قسمت چیزی نیست که قابل شرح وسط باشد بقدری این اداره خراب است که اگر تا آخر سال بنده اینجا بایستم و خرابی مالیة را شرح بدهم باز هم تمام نمی شود و حقیقتاً اگر کسی معتقد باشد که مالیة ایران خوبست یا روزه بهبودی گذاشته است من اسباب تعجب میشوم اینجا درستون مخارج نوشته است مخارج دربار که بنده مخالف بودم و هستم ولی چون آقایان رأی داده اند دیگر نمیتوانم در آن حرف بزنم یکی مخارج علیحضرت محمد علی میرزا این قسمت را بنده نمیدانم تا کی باید بدهیم؟  
اولادهای دیگر هم دارد و کم کم این حقوق جزء مستمریات و شهریه های مملکتی می شود و يك قلم در شتی هم هست برای اینکه حالا که تقلیل یافته پنجاه و چهار هزار تومان است تا کی ملت باید يك مبلغ پول خودش را بدون دلیل و منطوق از مملکت بیرون بفرستد اینجا دوزخ میدهد یکی این که يك پولی از مملکت خودش بیرون بفرستد و یکی اینکه میدهید شخصی که دربارک باشکوهی بنشیند و کیف کند آن هم يك پولی که صد دینار صد دینار و پنجاهای از مردم باین ترتیب خجالت آور گرفته میشود بعضی کاغذها امر و زبانه رسیده است که قرائت میکنم مثلاً کلیم مردم را میبرند و میفرشند و بول آن را ضبط میکنند يك مرتبه پنجاه هزار تومان درست می کنند میفرستند در خارج مملکت برای يك کسی که آنجا بنشیند و کیف کند قسمت دیگر مخارج دربار است که ایشان

قبول نفرموده اند در بودجه هم ذکر شده است خیلی هم تشکر میکنم و امام مسئله خانواری این يك مسئله ایست که بنده در آن تحقیقاتی کرده ام و بد نیست که بنظر آقایان برسانم در آنوقتی که راجع بغانواروی رأی داده شد بنده منتع بودم و اخیراً اطلاعاتی که در این باب بنده رسید است برای سایر مؤسسات بودجه صحیح بعرض آقایان برسانم و آن این است که در يك محلهائی يك مالیاتی در سال باین اسم میگیرند و اصلاً معلوم نیست که چرا و از روی چه اصولی میگیرند سابقاً نسبت بصد هزار سربازی که برای مملکت تخصیص داده بودند از روی بنیچه با اسم خانواری برای هر سربازی در محل سه تومان پول و سه خروار جنس میدادند یک نفر از نمایندگان - مختلف است  
**شیروانی -** بنده اینطور اطلاع داده اند . حالا در بعضی جاهای اطوری دیگر است چه عرض کنم - اگر از روی این اصل سابقاً بنده بگیرند بعقیده بنده باید سیصد هزار خروار جنس بگیرند ولی اینطور نیست برای اینکه يك اراضی آباد و يك آبهای فراوانی بدست دولت افتاده است و عوض جلب عایدی یکست ضرر هم از حکمیسه مردم در بیابورد و در این راه خرج میکنند که مالیات گفته شد خالصات يك کرو عایدی داشته است و تقریباً با مخارج انتفاعی هفتصد هزار تومان خرج و در دست هزار تومان دولت در اینجا کسر دارد و بنا بر این بنده اصولاً با وجود خالصات مخالفم و با آقایان وزیران هم تذکر دادم که برای خالصات این مملکت چندین راه کتخیلی از آقایان مطلعین در نظر گرفته اند پیدا شده است و پیش از این اسباب خسارت مردم و دولت را فراهم بیاورید ولی البته احتیاتی باین عرایض بیچوقت نشده است و بیست سال است همینطور يك قلمی آورده اند اینجا با اسم خالصات و يك پولی هم گرفته اند و بنده این شعبه از مالیات را زانده میدانم و باید برای خالصات فکر دیگری کرد و این شعبه هم که در سال در دست هزار تومان سیصد هزار تومان پول میدهند برای پشت میز نشین ها و برای اداره خالصات منحل شود .  
در ادارات مرکزی مالیة شاید خیلی از آقایان نمایندگان محترم تشریف برده باشند و ملاحظه فرموده اند (شاید هم گرفتار شده باشند) وقتی داخل انجام میشود در مراجعت راه خود را گم میکنند و بنده این ادارات برای وصول هفت میلیون مالیات خیلی زیاد میدانم و همانطور که عرض کردم صدی نود میزهای اداره مالیة را زانده میدانم و صدی ده اگر آنجا بماند کافی است حالا يك عده را میفرمایند باید بآنها نان داده البته صحیح

است ولی اینها از آن تو بیرون بیایند تا اینکه کار در جریان بیفتد .  
بواسطه اینکه قسمت عده خرابی مالیة بواسطه وجود همین میزهای زیادی است و اینهم خودش يك کاری است که از يك دسته یا برهنه بگیرند و بدهند بيك دسته یا برهنه دیگر و من هم شاید با این قسمت مخالف نباشم ولی بالاخره از لحاظ حسن اداره مالیة ترتیب این نیست و گمان نمیکنم هیچ مملکت بزرگی در دنیا اداره مالیة اش باین کندگی باشد و همین بزرگی مالیة است که موجب بطور جریان امور شده است و اغلب آقایان دچار هستند و بنده برای نمونه دوسه کاغذی که این دوسه روزه برای بنده رسیده است میخوانم اگر چه همه آقایان از این قبیل کاغذ ها دارند ولی این یکی خیلی برجسته است در هجدهم عقرب تاریخ این کاغذ است و آنوقت در بیست و ششم عقرب بمن رسیده حالا ملاحظه کنید میخوانم .  
در تعقیب رقیبه نمرة ۶۱ مورخه ۲۱ سرطان راجع بشکایت اهالی ابرقو زحمت میدهد که چون در این باب مستقیماً هم وزارت مالیة شکایت رسیده بود یعنی قبل از اینکه بنده هم چیزی بنویسم شکایت کرده اند )  
لهذا چگونگی امر از مالیة بزر دستم و دستور داده شده است که در صورت صحت اظهارات مظالمین در آسایش حال آنها اقدام و نتیجه را اطلاع دهند پس از وصول جواب نتیجه را با اطلاع جناب عالی میرسانم .  
حالا ببینید سلطان اسد . سنبله . میزان عقرب . پنجمه قبل بنده يك شرحی در نتیجه تعین يك عده رعایای ابرقو در تلگرافخانه که مالیة ما را آتش میزنند نوشته ام و هر روز هم تلگراف رسیده که در تلگرافخانه تعین شده اند (وقبل از اینکه شرح قضیه را بمن بنویسند حسب الوظیفه بخود وزارت مالیة ما اهالی تلگراف کرده اند) آنوقت بعد از پنجمه بنده کاغذ میرسد که تلگرافاً اقدام کرده ایم و بعد از اینکه خبر بمارسید بشما هم خبر میدهم .  
از منزل بنده تا وزارت مالیة پنجمه طول میکشد آنوقت از وزارت مالیة بیزد و ابرقو تا این جریان بر گردد ملاحظه فرمائید چقدر طول میکشد در صورتیکه پنج مرتبه این نظم شده و در این مدت هم تویسر مردم زده اند و این بولها را گرفته اند تازه جواب کاغذ است که بعد از پنجمه میرسد امضاء ذکا الملک هم دارد .  
دست غیب - تازه بهترین جواب است شیروانی - از این قبیل خیلی زیاد است ولی چون میخواهم وقت آقایان را خراب کنم لازم نیست حالا طرز جریان پنجمه این کاغذ را عرض کنم .

شیروانی - اجازه بدهید اینجا سه میلیون و ششصد و ده هزار تومان با مخارج انتفاعی پولی است که با داره مالیة میدهند هشتصد هزار تومان که موضوع کنیم دو میلیون و هشتصد و ده هزار تومان باقی میماند که اداره مالیة این مملکت خرج دارد و برای وصول هفت میلیون و سیصد هزار تومان خرج میکند  
**بعضی از نمایندگان -** این طور نیست  
**شیروانی -** همین طور است حالا حساب کنید بدهم اجازه بگیرم در حرف بزنم و قتیکه این هفت میلیون و سیصد هزار تومان را نسبت بآن دو میلیون و هشتصد هزار تومان حساب کنید اگر تناسب خوانده آید ملتفت میشوید که جایش چقدر میشود و صدی چند میشود و این اصلاً با خرج وزارت مالیة هیچ تناسب ندارد اما جهات دیگری هم هست که من مخالفم که این پول باین اداره داده شود یکی مسئله خالصات .  
سابقاً هم بطور مختصر عرض کردم که بنده اصلاً با وجود خالصات مخالفم برای اینکه يك اراضی آباد و يك آبهای فراوانی بدست دولت افتاده است و عوض جلب عایدی یکست ضرر هم از حکمیسه مردم در بیابورد و در این راه خرج میکنند که مالیات گفته شد خالصات يك کرو عایدی داشته است و تقریباً با مخارج انتفاعی هفتصد هزار تومان خرج و در دست هزار تومان دولت در اینجا کسر دارد و بنا بر این بنده اصولاً با وجود خالصات مخالفم و با آقایان وزیران هم تذکر دادم که برای خالصات این مملکت چندین راه کتخیلی از آقایان مطلعین در نظر گرفته اند پیدا شده است و پیش از این اسباب خسارت مردم و دولت را فراهم بیاورید ولی البته احتیاتی باین عرایض بیچوقت نشده است و بیست سال است همینطور يك قلمی آورده اند اینجا با اسم خالصات و يك پولی هم گرفته اند و بنده این شعبه از مالیات را زانده میدانم و باید برای خالصات فکر دیگری کرد و این شعبه هم که در سال در دست هزار تومان سیصد هزار تومان پول میدهند برای پشت میز نشین ها و برای اداره خالصات منحل شود .  
در ادارات مرکزی مالیة شاید خیلی از آقایان نمایندگان محترم تشریف برده باشند و ملاحظه فرموده اند (شاید هم گرفتار شده باشند) وقتی داخل انجام میشود در مراجعت راه خود را گم میکنند و بنده این ادارات برای وصول هفت میلیون مالیات خیلی زیاد میدانم و همانطور که عرض کردم صدی نود میزهای اداره مالیة را زانده میدانم و صدی ده اگر آنجا بماند کافی است حالا يك عده را میفرمایند باید بآنها نان داده البته صحیح

اگر آقایان ملاحظه فرمایند بر خلاف آن جریانات سابق یعنی همان جزو جمع ها و همان مستوفیها که چند تا می شان هنوز هم در وزارت مالیه هستند و کار راهم همان ها میکنند و بالاخره این جواب هم از ناحیه آنها میرسد این کافند هاما باید توی ادارات زیادی که هیچ اطلاع ندارند مالیه ابرقو چقدر است که من می نویسم ابرقو اصلا نمیدانند اطلاع ندارند بنده نذر می بندم که يك نفر برود توی وزارت مالیه و از تمام این اشخاص که آنجا نشسته اند بپرسد مالیات ابرقو چقدر است اگر کسی توانست بفهمد او بقیه بنده جز آن دوسه نفر مستوفی که آنجا نشسته اند و از قدیم میدانند مالیات ابرقو چقدر است دیگر کسی نیست که بتواند تشخیص بدهد .

هفت افتاد . است . بنده قسمت ادارات را تصدیق میکنم چون مخالفم ولی شهری به بگیر هارا تکذیب میکنم و بنده اصولا با يك افلام درشت شهری مخالفم که بعد هم عرض خواهم کرد . در باب شهری به پنج ششامه است که حقوق به آنها نرسیده یعنی از این يك دوازدهم هائی که آقایان هفت ماهش را تصویب کرده اند فقط دو ماه بشهری بگیرها داده اند و پنجاه دیگر را نداده اند ولی از آنطرف آقایان وزراء حقوقشان را تا آن برج آخر گرفته اند و تفصیل شهری به بگیرها از این قرار است و آنطوریکه آقای معتمد السلطنه فرمودند بنده تکذیب می کنم .

دیگر اینکه یکی از شعب وزارت مالیه که مخصوصاً آقای آقا سید یعقوب در آن جلسه خیلی اهمیت دادند مسئله بانک ایران بود و بنده هم همانطور باین قضیه خیلی اهمیت میدهم و معتقدم که هر فرد ایرانی که دردهای اقتصادی این مملکت را نداند باید فائل شود که این مملکت بانک لازم دارد و ما يك بانک ساخته و آماده که بایک اعتبارات و سرمایه بدستمان دادند تا سافانه و بدیخته جزء وزارت مالیه کرده ایم و در وزارت مالیه اثراتی که از این بانک ظاهر است یک نفر رئیس بانک و یک نفر معاون و یک نفر مفتش با چندین نفر معاسب و چند نفر ثبات و ضابط و اندک تاور نویس و پرسنل است که يك دستگاه مرتبی تشکیل داده اند اما توی این بانک از روزیکه بدست وزارت مالیه داده شده است تا امروز صد دینار معامله بانگی نشده است و تا حالا چه میکردند ؟

داخله است شعب متعدد دارد . شمال - جنوب - شرق و غرب . و آن مینز های بزرگی هم که آنجا ملاحظه فرموده اند آنقدر کافند روی آن میزها هست که خودشان هم نمیدانند چه چیز است و فقط آن کاریکه میکنند و اسمش را میشود کار گذاشت همان بیجا شصت تا حکم است که برای حکام وولات می رود که آنها هم بیرون در آن محل ها و هر کاریکه میخواهند میکنند . بنده يك روز یکی از اعضاء و معاونین آنجا عرض کردم که اداره روزنامه من تمهید میکند که شما هر وقت بخواهید يك حاکمی را بفرستید بجائی آن احکامهم که چاپی است فقط منشی اداره من اسم آن حاکم را .

مثلا انتخاب الامالك که الان حبس است آن بیچاره میگوید آقا اگر من تقصیر کرده ام بیاورید مرا معاف کنید بدادم بزیند گوش نمیدهند يك مجلس دارد كه هفت صد نفر مجبوس توی آن است .

اینکه نظمی نیست! اینكه امنیت نیست امنیت معنیش این نیست يك کسی يك وقتی توی يك خیابان بالاخره تمام اهل يك شهر در زیر فشار يك نفر شخصی که اسم خودش را می گذارد رئیس نظمی می افتند بدون این که هیچ کس بپرسد چرا يك نفر خداوند بنده زیر بار این طور خداوند ما نمیروم آقایان میروند بیرون (همهمه نمایندگان این بودجه است) بنده يك اداره که برخلاف قانون رفتار می کند موافق نیستیم که با او بودجه داده شود

باید این را فهمید که سبب خرابی این اداره چیست . اول باید آنرا اصلاح کرد و بعد پول داد شالا ان يك بودجه كنده يك میلیون و شصت هزار تومان بآن میدهند آنوقت تجارتخانه هم هست و بقول آقای مدرس کسب است ولی باید ضرر بدهد . اگر يك کاسب هر سال يك مبلغی ضرر بدهد از بین می رود . اگر کسب است کسی ضرر داشته باشد بنده مخالفم و باید با کسی دیگر باشد که میتواند این کسب را اداره کند . وزارتخانه يك اداره چهار یا داری و گاری رانی هم دارد . یعنی اداره حمل و نقل . در اینجا عقیده من مخالف عقیده آقای مدرس است که دوت چهار یا داری میکند .

بایدت بیشتر از این اهمیت داد . فقط يك مبلغی از این پول مربوط است به وزارت خانه و اداراتی هم در ولایات ندارد . تفریبا يك كرور و این قروض هم که توی رابرت د كتر میلیسیو می بینم يك ستون آن راجع بعمل و نقل دولت علیه است این است که بنده با اداره حمل و نقل بکلی مخالفم و عقیده ام اینست که این اداره باید منحل شود و این پول زیادی هم کم بدهند ندهند . اما وزارت عدلیه : بنده عرض کردم عدلیه يكی از بزرگترین مؤسسات يك مملکت است و جزو يك اداره معمولی مملکتی نیست . عدلیه يكی از قوای سه گانه يك مملکت است و عقیده بنده بیشتر باید باین اداره اهمیت داد تا سایر وزارتخانهها برای اینکه امنیت يك مملکت و يك جامعه حفظش بعهده عدلیه است .

آنوقت مسائل میاید روی این میزهای زیادی عبور میکنند . ترجمه میشود و يك دارالترجمه وسیع بزرگی بادوست سیصد مترجم که هر کدام ماهی صد تومان . صد پنجاه تومان . هفتاد تومان . هشتاد تومان حقوقهای گزاف دارند تشکیل داده اند و مخصوصاً اطلاع دارم دوسه تا خرازی فروشی که توی لاله زار دکان خرازی فروشی دارند .

در وزارت مالیه هم سمت مترجمی دارند و هی ترجمه میکنند و اصلا نمی فهمند کلمه ابرقو یعنی چه و اغلبشان هم مسلمان نیستند و به لهجه ایرانی آشنا نیستند که کلمه ابرقو را بفهمند و ترجمه میکنند . بالاخره می رود روی میزی که جرأت نداریم عرض کنیم آن میز کجاست آنوقت این جریان را که طی کردیم به تیر میگردد میاید یابین و میروند روی میز همان مستوفی های قدیم و آنها میگویند که ابرقو يك جائی است و این قدر هم مالیاتش است و اگر زیادی میخواهند بگیرند حق ندارید آن وقت او عقیده خودش را می نویسد باز جریان خودش را پر میکند میاید پیش وزیر و او امضا میکند و بیزد میفرستند و همین همین اداره که اینجا داریم در زدیم داریم آنجا هم یک نفر مترجم دارد که او هم نمیفهمد و بار سر رشته دار ابرقو و آن پیر مردی که آنجا نشسته (خنده نمایندگان) او میاید میگوید که قضیه از چه قرار است .

کارشان این بوده است که يك بدبختی که این منات ها دستشان بوده و زورشان باو میرسد است (نه آنها یک زورشان نمیرسد است) . و دو هزار تومان مقروض بوده مأمور قزاق رفته توی خانه اش و فالچه اش را حراج کرده و پول آن را گرفته و آورده است آنوقت رئیس و معاون و کنتراور بین خودشان تقسیم کرده اند اینست وضعیت بانک (در این موقع آقای شریعت زاده اجازه خواستند) آقا هم (اشاره بشریعت زاده) آو کای بانك هستند و حالا خواهند فرمود (خنده نمایندگان) اما در قسمت وزارت داخله عرض کنم . وزارت داخله قطع نظر از امنیت و نظمی که آن را هم بعد شرحش را عرض می کنم کارش اینست که در سال تقریبا چهل پنجاه حاکم عوض میکنند . یعنی حاکم سبزوار را بیزد و بیزد و بیزد را به تیریز میفرستد و يك حکم بزرگ چاپی هم هست که فقط اسم حاکم و تاریخ صدور حکم در آن نوشته نشده . این کار وزارت

اینکه نظمی نیست! اینكه امنیت نیست امنیت معنیش این نیست يك کسی يك وقتی توی يك خیابان بالاخره تمام اهل يك شهر در زیر فشار يك نفر شخصی که اسم خودش را می گذارد رئیس نظمی می افتند بدون این که هیچ کس بپرسد چرا يك نفر خداوند بنده زیر بار این طور خداوند ما نمیروم آقایان میروند بیرون (همهمه نمایندگان این بودجه است) بنده يك اداره که برخلاف قانون رفتار می کند موافق نیستیم که با او بودجه داده شود

باید این را فهمید که سبب خرابی این اداره چیست . اول باید آنرا اصلاح کرد و بعد پول داد شالا ان يك بودجه كنده يك میلیون و شصت هزار تومان بآن میدهند آنوقت تجارتخانه هم هست و بقول آقای مدرس کسب است ولی باید ضرر بدهد . اگر يك کاسب هر سال يك مبلغی ضرر بدهد از بین می رود . اگر کسب است کسی ضرر داشته باشد بنده مخالفم و باید با کسی دیگر باشد که میتواند این کسب را اداره کند . وزارتخانه يك اداره چهار یا داری و گاری رانی هم دارد . یعنی اداره حمل و نقل . در اینجا عقیده من مخالف عقیده آقای مدرس است که دوت چهار یا داری میکند .

بایدت بیشتر از این اهمیت داد . فقط يك مبلغی از این پول مربوط است به وزارت خانه و اداراتی هم در ولایات ندارد . تفریبا يك كرور و این قروض هم که توی رابرت د كتر میلیسیو می بینم يك ستون آن راجع بعمل و نقل دولت علیه است این است که بنده با اداره حمل و نقل بکلی مخالفم و عقیده ام اینست که این اداره باید منحل شود و این پول زیادی هم کم بدهند ندهند . اما وزارت عدلیه : بنده عرض کردم عدلیه يكی از بزرگترین مؤسسات يك مملکت است و جزو يك اداره معمولی مملکتی نیست . عدلیه يكی از قوای سه گانه يك مملکت است و عقیده بنده بیشتر باید باین اداره اهمیت داد تا سایر وزارتخانهها برای اینکه امنیت يك مملکت و يك جامعه حفظش بعهده عدلیه است .

در صورتیکه در تمام دنیا اینطور عواید اختصاصی دارد به همان مختار یعنی عواید وزارت و عواید عامه مخصوصا باید صرف مختار راه بشود و اگر يك مبلغی زیاد آمد باید راه بسازد . معنی تمرکز مالیه هم این نیست . مثلا پول نواقل برای تعمیر شهر است و پول باج راهم که از اتومبیل می گیرند برای ساختن راه است و مخالفت بنده این نظر است که عواید وزارت و عواید عامه اختصاص داده شود بخود وزارت و عواید عامه و ابدا نباید در مالیه تمرکز پیدا کند . بنده مخالف این تمرکز اموازارت خارجه : وزارت خارجه يكی از وزارتخانههای خوب است و همه ی دانند که از نقطه نظر اداره خیلی خوب است . ولی از نقطه نظر نتیجه يك چیز لو کس و شکوهی است برای دولت ایران که يك عده اشخاصی را در سال یاماه فلان قدر حقوق بدهیم و بفرستیم در يك محل هائی که هفته يك روز یا روزهای معین یا روز های عید يك بیرقی بیالا بکشند ولی نمایندگان سایر دول را که مملکت خودمان میبینیم عملیاتشان فقط این نیست . کارهای بزرگ دارند و باین سادگی نیست .

بایدت بیشتر از این اهمیت داد . فقط يك مبلغی از این پول مربوط است به وزارت خانه و اداراتی هم در ولایات ندارد . تفریبا يك كرور و این قروض هم که توی رابرت د كتر میلیسیو می بینم يك ستون آن راجع بعمل و نقل دولت علیه است این است که بنده با اداره حمل و نقل بکلی مخالفم و عقیده ام اینست که این اداره باید منحل شود و این پول زیادی هم کم بدهند ندهند . اما وزارت عدلیه : بنده عرض کردم عدلیه يكی از بزرگترین مؤسسات يك مملکت است و جزو يك اداره معمولی مملکتی نیست . عدلیه يكی از قوای سه گانه يك مملکت است و عقیده بنده بیشتر باید باین اداره اهمیت داد تا سایر وزارتخانهها برای اینکه امنیت يك مملکت و يك جامعه حفظش بعهده عدلیه است .

پس این شاخ و برگهایی که بنده می بینم جز اینکه مردم را در فشار و متنگه بگذارد و پول بگیرند بدهند بيك عده اشخاصی که بروند قلهك تفریح و گردش بکنند قایم دیگری ندارد و بيك عده طرف دار هم دارند .

یعنی حاکم سبزوار را بیزد و بیزد و بیزد را به تیریز میفرستد و يك حکم بزرگ چاپی هم هست که فقط اسم حاکم و تاریخ صدور حکم در آن نوشته نشده . این کار وزارت

باید این را فهمید که سبب خرابی این اداره چیست . اول باید آنرا اصلاح کرد و بعد پول داد شالا ان يك بودجه كنده يك میلیون و شصت هزار تومان بآن میدهند آنوقت تجارتخانه هم هست و بقول آقای مدرس کسب است ولی باید ضرر بدهد . اگر يك کاسب هر سال يك مبلغی ضرر بدهد از بین می رود . اگر کسب است کسی ضرر داشته باشد بنده مخالفم و باید با کسی دیگر باشد که میتواند این کسب را اداره کند . وزارتخانه يك اداره چهار یا داری و گاری رانی هم دارد . یعنی اداره حمل و نقل . در اینجا عقیده من مخالف عقیده آقای مدرس است که دوت چهار یا داری میکند .

بایدت بیشتر از این اهمیت داد . فقط يك مبلغی از این پول مربوط است به وزارت خانه و اداراتی هم در ولایات ندارد . تفریبا يك كرور و این قروض هم که توی رابرت د كتر میلیسیو می بینم يك ستون آن راجع بعمل و نقل دولت علیه است این است که بنده با اداره حمل و نقل بکلی مخالفم و عقیده ام اینست که این اداره باید منحل شود و این پول زیادی هم کم بدهند ندهند . اما وزارت عدلیه : بنده عرض کردم عدلیه يكی از بزرگترین مؤسسات يك مملکت است و جزو يك اداره معمولی مملکتی نیست . عدلیه يكی از قوای سه گانه يك مملکت است و عقیده بنده بیشتر باید باین اداره اهمیت داد تا سایر وزارتخانهها برای اینکه امنیت يك مملکت و يك جامعه حفظش بعهده عدلیه است .

باید این را فهمید که سبب خرابی این اداره چیست . اول باید آنرا اصلاح کرد و بعد پول داد شالا ان يك بودجه كنده يك میلیون و شصت هزار تومان بآن میدهند آنوقت تجارتخانه هم هست و بقول آقای مدرس کسب است ولی باید ضرر بدهد . اگر يك کاسب هر سال يك مبلغی ضرر بدهد از بین می رود . اگر کسب است کسی ضرر داشته باشد بنده مخالفم و باید با کسی دیگر باشد که میتواند این کسب را اداره کند . وزارتخانه يك اداره چهار یا داری و گاری رانی هم دارد . یعنی اداره حمل و نقل . در اینجا عقیده من مخالف عقیده آقای مدرس است که دوت چهار یا داری میکند .

بایدت بیشتر از این اهمیت داد . فقط يك مبلغی از این پول مربوط است به وزارت خانه و اداراتی هم در ولایات ندارد . تفریبا يك كرور و این قروض هم که توی رابرت د كتر میلیسیو می بینم يك ستون آن راجع بعمل و نقل دولت علیه است این است که بنده با اداره حمل و نقل بکلی مخالفم و عقیده ام اینست که این اداره باید منحل شود و این پول زیادی هم کم بدهند ندهند . اما وزارت عدلیه : بنده عرض کردم عدلیه يكی از بزرگترین مؤسسات يك مملکت است و جزو يك اداره معمولی مملکتی نیست . عدلیه يكی از قوای سه گانه يك مملکت است و عقیده بنده بیشتر باید باین اداره اهمیت داد تا سایر وزارتخانهها برای اینکه امنیت يك مملکت و يك جامعه حفظش بعهده عدلیه است .

بایدت بیشتر از این اهمیت داد . فقط يك مبلغی از این پول مربوط است به وزارت خانه و اداراتی هم در ولایات ندارد . تفریبا يك كرور و این قروض هم که توی رابرت د كتر میلیسیو می بینم يك ستون آن راجع بعمل و نقل دولت علیه است این است که بنده با اداره حمل و نقل بکلی مخالفم و عقیده ام اینست که این اداره باید منحل شود و این پول زیادی هم کم بدهند ندهند . اما وزارت عدلیه : بنده عرض کردم عدلیه يكی از بزرگترین مؤسسات يك مملکت است و جزو يك اداره معمولی مملکتی نیست . عدلیه يكی از قوای سه گانه يك مملکت است و عقیده بنده بیشتر باید باین اداره اهمیت داد تا سایر وزارتخانهها برای اینکه امنیت يك مملکت و يك جامعه حفظش بعهده عدلیه است .

بایدت بیشتر از این اهمیت داد . فقط يك مبلغی از این پول مربوط است به وزارت خانه و اداراتی هم در ولایات ندارد . تفریبا يك كرور و این قروض هم که توی رابرت د كتر میلیسیو می بینم يك ستون آن راجع بعمل و نقل دولت علیه است این است که بنده با اداره حمل و نقل بکلی مخالفم و عقیده ام اینست که این اداره باید منحل شود و این پول زیادی هم کم بدهند ندهند . اما وزارت عدلیه : بنده عرض کردم عدلیه يكی از بزرگترین مؤسسات يك مملکت است و جزو يك اداره معمولی مملکتی نیست . عدلیه يكی از قوای سه گانه يك مملکت است و عقیده بنده بیشتر باید باین اداره اهمیت داد تا سایر وزارتخانهها برای اینکه امنیت يك مملکت و يك جامعه حفظش بعهده عدلیه است .

باید این را فهمید که سبب خرابی این اداره چیست . اول باید آنرا اصلاح کرد و بعد پول داد شالا ان يك بودجه كنده يك میلیون و شصت هزار تومان بآن میدهند آنوقت تجارتخانه هم هست و بقول آقای مدرس کسب است ولی باید ضرر بدهد . اگر يك کاسب هر سال يك مبلغی ضرر بدهد از بین می رود . اگر کسب است کسی ضرر داشته باشد بنده مخالفم و باید با کسی دیگر باشد که میتواند این کسب را اداره کند . وزارتخانه يك اداره چهار یا داری و گاری رانی هم دارد . یعنی اداره حمل و نقل . در اینجا عقیده من مخالف عقیده آقای مدرس است که دوت چهار یا داری میکند .

باید این را فهمید که سبب خرابی این اداره چیست . اول باید آنرا اصلاح کرد و بعد پول داد شالا ان يك بودجه كنده يك میلیون و شصت هزار تومان بآن میدهند آنوقت تجارتخانه هم هست و بقول آقای مدرس کسب است ولی باید ضرر بدهد . اگر يك کاسب هر سال يك مبلغی ضرر بدهد از بین می رود . اگر کسب است کسی ضرر داشته باشد بنده مخالفم و باید با کسی دیگر باشد که میتواند این کسب را اداره کند . وزارتخانه يك اداره چهار یا داری و گاری رانی هم دارد . یعنی اداره حمل و نقل . در اینجا عقیده من مخالف عقیده آقای مدرس است که دوت چهار یا داری میکند .

باید این را فهمید که سبب خرابی این اداره چیست . اول باید آنرا اصلاح کرد و بعد پول داد شالا ان يك بودجه كنده يك میلیون و شصت هزار تومان بآن میدهند آنوقت تجارتخانه هم هست و بقول آقای مدرس کسب است ولی باید ضرر بدهد . اگر يك کاسب هر سال يك مبلغی ضرر بدهد از بین می رود . اگر کسب است کسی ضرر داشته باشد بنده مخالفم و باید با کسی دیگر باشد که میتواند این کسب را اداره کند . وزارتخانه يك اداره چهار یا داری و گاری رانی هم دارد . یعنی اداره حمل و نقل . در اینجا عقیده من مخالف عقیده آقای مدرس است که دوت چهار یا داری میکند .

باید این را فهمید که سبب خرابی این اداره چیست . اول باید آنرا اصلاح کرد و بعد پول داد شالا ان يك بودجه كنده يك میلیون و شصت هزار تومان بآن میدهند آنوقت تجارتخانه هم هست و بقول آقای مدرس کسب است ولی باید ضرر بدهد . اگر يك کاسب هر سال يك مبلغی ضرر بدهد از بین می رود . اگر کسب است کسی ضرر داشته باشد بنده مخالفم و باید با کسی دیگر باشد که میتواند این کسب را اداره کند . وزارتخانه يك اداره چهار یا داری و گاری رانی هم دارد . یعنی اداره حمل و نقل . در اینجا عقیده من مخالف عقیده آقای مدرس است که دوت چهار یا داری میکند .

باید این را فهمید که سبب خرابی این اداره چیست . اول باید آنرا اصلاح کرد و بعد پول داد شالا ان يك بودجه كنده يك میلیون و شصت هزار تومان بآن میدهند آنوقت تجارتخانه هم هست و بقول آقای مدرس کسب است ولی باید ضرر بدهد . اگر يك کاسب هر سال يك مبلغی ضرر بدهد از بین می رود . اگر کسب است کسی ضرر داشته باشد بنده مخالفم و باید با کسی دیگر باشد که میتواند این کسب را اداره کند . وزارتخانه يك اداره چهار یا داری و گاری رانی هم دارد . یعنی اداره حمل و نقل . در اینجا عقیده من مخالف عقیده آقای مدرس است که دوت چهار یا داری میکند .

باید این را فهمید که سبب خرابی این اداره چیست . اول باید آنرا اصلاح کرد و بعد پول داد شالا ان يك بودجه كنده يك میلیون و شصت هزار تومان بآن میدهند آنوقت تجارتخانه هم هست و بقول آقای مدرس کسب است ولی باید ضرر بدهد . اگر يك کاسب هر سال يك مبلغی ضرر بدهد از بین می رود . اگر کسب است کسی ضرر داشته باشد بنده مخالفم و باید با کسی دیگر باشد که میتواند این کسب را اداره کند . وزارتخانه يك اداره چهار یا داری و گاری رانی هم دارد . یعنی اداره حمل و نقل . در اینجا عقیده من مخالف عقیده آقای مدرس است که دوت چهار یا داری میکند .

باید این را فهمید که سبب خرابی این اداره چیست . اول باید آنرا اصلاح کرد و بعد پول داد شالا ان يك بودجه كنده يك میلیون و شصت هزار تومان بآن میدهند آنوقت تجارتخانه هم هست و بقول آقای مدرس کسب است ولی باید ضرر بدهد . اگر يك کاسب هر سال يك مبلغی ضرر بدهد از بین می رود . اگر کسب است کسی ضرر داشته باشد بنده مخالفم و باید با کسی دیگر باشد که میتواند این کسب را اداره کند . وزارتخانه يك اداره چهار یا داری و گاری رانی هم دارد . یعنی اداره حمل و نقل . در اینجا عقیده من مخالف عقیده آقای مدرس است که دوت چهار یا داری میکند .

باید این را فهمید که سبب خرابی این اداره چیست . اول باید آنرا اصلاح کرد و بعد پول داد شالا ان يك بودجه كنده يك میلیون و شصت هزار تومان بآن میدهند آنوقت تجارتخانه هم هست و بقول آقای مدرس کسب است ولی باید ضرر بدهد . اگر يك کاسب هر سال يك مبلغی ضرر بدهد از بین می رود . اگر کسب است کسی ضرر داشته باشد بنده مخالفم و باید با کسی دیگر باشد که میتواند این کسب را اداره کند . وزارتخانه يك اداره چهار یا داری و گاری رانی هم دارد . یعنی اداره حمل و نقل . در اینجا عقیده من مخالف عقیده آقای مدرس است که دوت چهار یا داری میکند .

ضمن اینکه تمام بودجه ها را شرح داده است بودجه وزارت معارف را هم معین کرده و بنده بودجه معارف چند مملکت مهم را یاد داشت کرده ام که در اینجا بعرض میرسانم.

امریکا قبل از جنگ بطوریکه در آنجا نوشته بود صد و شصت و سه میلیون ایره عایدی داشته

یک نفر از نمایندگان - میلیارد

شیروانی - خیر ایره است بنده هم اول خیال کردم بعد دیدم درست نیست بهر حال در این مبلغ شصت میلیون ایره اش را صرف معارف میشود.

انگلیس صد و چهل و سه میلیون لیره عایدی داشته است و هفتاد و یک میلیون لیره اش را صرف معارف نموده (آن یکی هم هفتاد و یک میلیون نیست و هفده میلیون است)

بطوریکه اولی بیشتر از ثلث و دومی بیش از تسع و سومی بیش از سدس از کل عایدی صرف معارف میشده است عجالة اگر شیفرف صحیح نباشد ولی تناسب صحیح است و مخصوصاً در مملکت ما که از حیث تمدن عقب هستیم بیش از همه چیز باید بمعارف يك توجه مخصوصی کرد و اهمیت داد.

ولی همانطوریکه در موضوع راه عرض کردم نمیدانم چه دست غیبی است که نیگنارد معارف

مادرست شود.

راجع بشهرها که آقای معتمد السلطنه در بیرون میفرمایند شیروانی نمی گذارد تصویب شود.

بنده مخصوصاً آقای مخبر باد آوری میکنم آن روز هم عرض کردم کسانی که بمملکت خدمت کرده و عمر طولانی خودشان را صرف خدمات مملکت کرده اند البته به آنها باید حقوق داد غیر از این هم نمی شود.

یاداش خدمت همین است ولی پردوی يك اصول قانونی که در سایر ممالک هم معمول است باید جبران خدمات آنها را کرد. يك عده اشخاصی هستند که در راه آزادی خدمات کرده اند و زحمت کشیده اند نسبت باین عده کاملاً موافقم که برای قدردانی از اشخاص خادم يك امتیازاتی قائل شده و یکی از امتیازات هم اعطای حقوق است.

ولی البته خودتان ملاحظه کرده اید که در زیر لواء این اشخاص که بمملکت خدمت کرده و معق هستند و در تحت لوای کسانی که با آزادی مملکت خدمت کرده اند یک عده دیگری هستند که مفت خورند بنده با آن قسمت مفتخور مغالطه والا با قسمت شهری بیکم که از روی استعناق حقوق میگیرند موافقم.

بنابراین خدمت حضرتعالی ( خطاب با آقای معتمد السلطنه) عرض میکنم که این عرض بنده را اگر خواستید نقل کنید اینطور بفرمائید که عرض کردم و تا وقتی که این نظر بنده تأمین نشود بنده باشهریه مخالفم.

آن روز فرمودند قسمت اخیر بودجه مطرح نیست بنده هم نخواستم آن قسمتی که مربوط به جمله اخیر است در اینجا مطرح کنم اینجا نهضت ونود و چهار هزار تومان برایمان اضافه قلمداد شده است. اگر واقعاً این مبلغ را از بودجه اضافه داریم که چرا بی تکلیف بگذاریم. چون يك جمله باین چسبیده اند که اسباب شکر من شده.

يك قرضی را که از مجلس نگذشته ما قبول نداریم. بهر عنوان که میخواهد باشد حتی مساعد هم باشد قبول ندارم جز اینکه بتصویب مجلس برسد و من مملکت خود را مدیون آن قروض نمیدانم پس بنده پیشنهاد میکنم که این مبلغ اضافه را نصفش را بمعارف و نصف دیگرش را بساختن راه ها اختصاص دهند این بود عرایض بنده حالا آقایان میخواهند رأی بدهند یا نه؟

بنده برای ثبت در اوراق تاریخ هرایض خود را اعم از اینکه قبول شود یا نه عرض کردم.

**معاون وزارت داخله - بیانات**

آقای شیروانی يك کلیاتی بود راجع تمام وزارتخانه ها و مؤسسات مملکتی و البته آنچه را که بنده عرض میکنم راجع بوزارت داخله است که مربوط است بخدمت خود بنده. در موضوع اساسی وزارت داخله که کارش چیست؟

بیاناتی فرمودند و کار وزارت داخله را محدود کردند بصورت احکام برای مأمورین. اگر نظرها قدری محدود کنیم شاید همینطور هم بنظر بیاید بجهت اینکه کار هر وزارت را مأمورین آن وزارتخانه انجام میدهند و نمایندگان وزارتخانه هم مأمورین وزارتخانه ها هستند ولی اگر قدری دقت بفرمائید می بینید با اینکه يك نواقصی در تشکیلات هست مملکت کار وزارت داخله آنطور که فرمودند نیست. وقتی فلسفه و موضوع وزارتخانه را در نظر بگیریم و بدانیم که مقصود از تشکیلات این وزارتخانه چیست شاید يك بیانات و تفصیلاتی لازم داشته باشد.

ولی اجمالاً همین قدر عرض میکنم که وزارت داخله مرکز سیاست داخلی مملکت است و فلسفه تشکیلاتش هم برای این است. البته وقتی بوجود این وزارتخانه نظر داشته باشیم اساس تشکیلاتش هم باید روی همین اصل درست شود و با وجود نواقص بودجه که هر ساله باین وزارتخانه تحمیل

میشود (معلوم است که بانقص بودجه نمی شود باصلاحات اساسی موفق شد) معیناً آن اندازه لوابیج و قوانینی که برای اصلاحات و تشکیلات وزارت داخله لازم است تهیه شده و شاید اغلب آقایان نمایندگانی از آن مطلع باشند و باید از مجلس بگذرد و بالاخره برای تکمیل اصلاحات خرج لازم است.

وزارتخانه که همه ساله از بودجه اش کم میشود بهین وضع هم که خودش را نگاه داشته باز خوب است نمیگوئیم که قائل بکثرت مخارج هستیم زیرا هم دولت تمام مصروف بر این است که بودجه را توازن داده مخارج و عوائد را تعادل دهد.

ما هم تحمل این کسر را میکنیم و با این حال باز تشکیلات وزارت داخله را خوب نگاه داشته ایم و امیدواریم در آتی به تناسب فزونی عایدات بتوانیم یاراً اصلاحات لازمه را تا حدی که مقدور است در این وزارتخانه اجراء کنیم.

راجع بامنیته شرحی فرمودند که نواقصی دارد.

بودجه امنیه در سال سابق بانصد و هفتاد هزار تومان بوده است و امسال بواسطه اینکه صد هزار تومان از بودجه وزارت داخله کم کردند مجبور شدیم دوازده تومان از بودجه امنیه کم کنیم.

تصدیق میفرمائید در تمام مملکت ایران که راههای خیلی عریض و طولیل دارد بايك همچو بودجه چگونه میشود يك امنیه که مطابق آمال باشد تهیه کرد البته بهمان قدری که خرج میکنیم باید توقع کار داشته باشیم آنچه را که امسال برای امنیه پیش بینی کردیم بانصد و پنجاه و هشت هزار تومان بود.

باین مبلغ و این راههای عریض و طولیل آیا تصور میفرمائید که بهتر از این میشود توقع داشت.

باین حال در تمام راهها امنیت هست آقایان نمایندگان تصدیق میفرمائید که سرعت و شرارت خیلی کمتر از سابق شده و با این پولی که خرج میکنیم باید خیلی مشون باشیم که اینصورت فعلی هم دائر و محفوظ است.

البته خود بنده هم قائلم و به هیئت دولت هم عرض کرده ام که باید بیشتر از این خرج کرد.

ولی وقتی که ما محدود میشویم بسدی که عبارت از نداشتن پول است چه باید کرد؟ باید بهدائل راضی شد و قناعت کرد.

شرحی راجع بنظمیه ایراد کردند. البته میدانند که تکلیف بنظمیه کشف جنایات و تعقیب بعضی عملیاتی است که ممکن است منجر به بی نظمی و اختلال امنیت شود.

اگر بعضی اشخاص جلیب شده اند ناچار از روی دلایل بوده و دوسیه دارد ما هم بی اطلاع نیستیم یعنی در هر مورد که شکایتی میرسد از بنظمیه سؤال میکنم بنظمیه هم بموجب دلیل و مدرک اقدام خودش را اطلاع میدهند.

راجع بهمان شخص بخصوص هم که اسمش را بردند از بنظمیه استنطاق شده و توضیح هم داده و دوسیه هم دارد و بنده تصدیق نمیکنم که برخلاف قانون اقدامی شده باشد.

اما از حیث تشکیلات بنظمیه با اینکه بر بودجه بنظمیه چیزی نیفروده ایم و نسبت به یارسال مجبوراً پانزده هزار تومان کسر کرده ایم معذک در تمام شهرها شاید اغلب آقایان اطلاع داشته باشند بنظمیه صورت جدیدی پیدا کرده و در هر جا صاحب منصبان پلیس از مرکز فرستاده شده است برای اینکه موافق دستور متحدالشکلی در همه شهرها تشکیل پلیس بدهند.

این یکی از لوازم اولیه شهرها است که باید بنظمیه خوب داشته باشد باید بدیده خوب داشته باشد.

ولی البته تکمیل شدن اینها باز منوط بخرج است ولی چون محدود میشویم بیکم عایدات از این جهت باید کم خرج کنیم.

بنده برای اینکه خاطر آقایان نسبت بوضعیت بودجه وزارت داخله مسبوق شود يك صورت اجمالی حاضر کرده و عرض میکنم.

ممکن است همچو بنظر بیاید که دو میلیون و صد هزار تومان بودجه وزارت داخله تمامش صرف حقوق حکام و مأمورین بشود (شاید حالا کمتر تصور بشود ولی سابقاً این تصور بیشتر میشد باید عرض کنم که حقوق مأمورین وزارت داخله و حکام ولایات بعد اقل رسیده و کمتر از این مقدور نیست.

زوجه مرتبه بنظمیه مرکز ولایات يك میلیون و صد و بیست و شش هزار تومان میگردد.

تصدیق میفرمائید در صورتی که بنا شود در تمام شهرها بنظمیه خوب داشته باشیم که اهالی بتوانند از وجود آن بهره مند و متمتع شوند این مبلغ خیلی کم است بامنیته میدهم بانصد و پنجاه و هشت هزار تومان این مبلغ برای امنیه تمام مملکت است.

آنهم باین راههای عریض و طولیل که ملاحظه میفرمائید و البته کمک قشونست که امنیت را مستقر میکند و الا با این امنیه به هیچوجه مقدور و ممکن نبود امنیت را در مملکت حفظ کنیم.

این که فرمودند وزارت داخله مین های بزرگی دارد برعکس بنده گمان نمیکنم میزهایش خیلی کوچک است و عده

زیادی مستخدم ندارد و خرجش هم نسبتاً کمتر است و با وجود این عده کم کارش خیلی زیاد است.

حقوقهم باجزاء خیلی کمتر از سایر وزارتخانه ها داده میشود و بنده شکایات آن هارا تصدیق میکنم.

بهیچیک از اعضاء حقوق مطابق درجه داده نشده است.

یکی که مدیر اداره است مطابق درجه حقوق داده نمیشود و این بواسطه ضعف بودجه است که نمیخواهیم زیاد خرج کنیم.

از این که بگذریم برای تمام ادارات حکومت ولایات باقی میماند سبده وسی و يك هزار تومان.

در بودجه امساله برای تمام ادارات حکومتی و مأمورین که مرجع کارند سبده وسی يك هزار تومان در بودجه مقرر و منظور شده این است وضعیت وزارت داخله در

هنده البته

**بعضی از نمایندگان - تنفس**

بدهید.

**معاون وزارت پست تلگراف -**

آقای نماینده معترم سه فقره اعتراض وزارت پست و تلگراف فرمودند یکی این بود که عایدات سنه ایت ایل تلگراف خانه نسبت به تنگنویز ایل چهارصد هزار تومان کسر شده بنده تکذیب میکنم اینطور نیست.

عایدات تلگراف صورت دارد تلگراف خانه يك اداره منظمی است.

اعتراض ایشان شاید راجع بکلیه بودجه پست و تلگراف باشد که بنده در یکی از جلسات سابق اینجامفصلاً توضیح دادم که این کسر عایدی راجع بداره حمل و نقل است و تلگراف خانه کسر عایدی ندارد.

اما يك اشتباه دیگر فرمودند که در ضمن اظهارات خودشان فرمودند: عایدات نهصد هزار تومان و مخارج يك میلیون و ششصد و بیست هزار تومان بوده.

در این مورد هم اشتباه فرمودند و این مبلغ برای تمام وزارت پست و تلگراف است.

اداره پست هفتصد و سه هزار تومان و تلگرافخانه بانصد و هشتاد و نه هزار تومان سدوسی و دو هزار تومان.

دو بست و نود و شش هزار تومان هم بودجه اداره حمل و نقل است که روی هم میشود مبلغ يك میلیون و ششصد و بیست هزار تومان بودجه تمام وزارت پست و تلگراف نه فقط تلگرافخانه جمله دیگر راجع بعمل و نقل فرمودند بنده تصدیق میکنم.

که این اداره بدست دولت خوب اداره نمیشود نباید هم خوب اداره شود همینقدر هم که اداره میشود باید سخن بود که بدست سورچهها در این

کاروانسراها خوب اداره میشود ملاحظه بفرمائید در هر کاروانسرایا در هر منزلی يك سورچی دارد که نمیشود يك مفتش گذاشت که سورچی مثلا يك من جوندزد البته این معایب پیدا میشود مخصوصاً وضع خط خانقین خوب نیست و ضرر دارد ولی خط خراسان فائده دارد و در نتیجه بر خوردن باین معایب وزارت پست و تلگراف مشغول شد که کنتراستی با يك کمیانی فرانسوی موسوم به کی تانه به بنده برای راه خانقین و این کنتراستهم تهیه شده است و همین است که الان تقدیم مجلس شورای ملی میکنم (باقی رئیس تسلیم نمودند)

این همان کمپانی است که از بندهاد به بیروت اتومبیل رانی دارد و با تمام دنیا رابطه دارد

وقتی که مسافر يك بلیط از او گرفت با آن بلیط میتواند همه جای دنیا مسافرت کند و منحصراً به بیروت نیست با همان بلیط میتواند از بیروت بمارسیل و از آنجا بپاریس برود

و امیدوارم مجلس شورای ملی زودتر تکلیف این کنتراست را معلوم کند برای اینکه وزارت پست و تلگراف وقتی بداند این کنتراست تصویب میشود باید از حالا اسب و اثاثیه که در آن راه دارد بردارد و بر اهائی که کسر دارد یا فائده دارد مثل راه خراسان بگذارد و آن راه را نادرجه تکمیل کند

از این جهت امیدوارم مجلس شورای ملی هر چه زودتر تکلیف این کار را معین کند

**رئیس -** آقایان به تنفس مایلند **شیروانی -** بنده توضیحی دارم **وزیر فواید عامه -** قبل از اینکه تنفس داده شود اجازه میخواهم لایحه امتیاز ساختن راه از دامغان باستر آباد و بندر جرز را تقدیم مجلس شورای ملی کنم **کفیل وزارت معارف -** بنده هم کنتراست دوفتر معلمه را برای مدرسه دارالمعارف تقدیم مجلس شورای ملی میکنم **معاون وزارت عدلیه -** لایحه قانونی تشکیلات عدلیه است تقدیم مجلس شورای ملی میکنم (سه ربع ساعت قبل از ظهر جلسه برای تنفس تعطیل و دیگر تشکیل نگردید ) رئیس مجلس شورای ملی **مؤتمن الملک منشی -** علی اقبال الملک **منشی -** معظم السلطان